

و حدیث و بیان طریقت همچو زاد المذکرین که حدیث  
مشتمل بر صد آیت و کتاب تکلمه اللطایف و اخبار  
الذخایر و ادب التصوف و عشرات و عشرین و قصه  
یوسف و علی المذکرین و کتاب با و کار و دیوان عربی  
و دیوان فارسی و وفات او در شب دوشنبه هفتم ربیع  
الاول سنه اربع و اربعین و سی و سه بود و مدت عمر او  
هفتاد و سه سال **و در واقعه جلیله حکام در ستانی مغزو**  
ستمانه از ولایت عربین بشهر نجارا رسیدند و او را  
و اتباع را در نجارا که استند نجاب شد و بخدمت رفتند  
قطب لا و تا دیش مصطفی رحه الله و گفت با ایشان  
مملکت او است بی اجازت او و حرکت او نخواهد  
چون نزد یک شیخ رسید شیخ فرمودند بر آمدی ما  
در انتظار دوستی سرور و صحبت شیخ بود نماز دیگر کردم  
مصطفی ایشان را طلب کردند و گفتند ما را انتظار دریم  
مترک بود که آن بود که این مملکت حلال بود در صاحب

دل چون تو آمدی مملکت بنو سپهریم آنگاه شیخ فرمود  
گفتند و جان تسلیم کردند **از رخساره مهر محمود زرد**  
حسبم رخساره سحر منزل دیگر بنام بر لاشه خرو و جو و بوم  
یکجند که که آند و خرد برید و رسم رسم **منقول است** علماء  
نجارا رحیم الله حضرت استاد الایمه مولانا شمس الایمه  
گردری را در حدیث مکتوبه شهابی مجلس مولانا جمال الدین  
ستامی حاضر میشدند و تا بیکدیگر که او بابی و حقایق هست  
بابی مولانا شمس الایمه شب جمعه مسجد جامع حاضر شدند  
و در درس استوفی نشستند چون مقربان قرآن خواندند  
تمام کردند مولانا جمال الدین بر منبر برخواستند و روی  
سوی آن ستون کردند و این بیت گفتند **نظم**  
اکی بسره کو و کلو در نابی نهری که ز تو کم استخوان  
نابی بر ما برسی از رسوائی رسوا شده کز آنی و کزانی  
مولانا شمس الایمه نغمه ز زنده و پیش من آمدند پستی  
بچو و بودند بعد از آن سرسارک بر آوردند و گفتند